



## تعهد ایران به عراق

وزیر خارجه ایران بر تعهد تهران به دولت عراق به‌منظور دفع اقدامات غیرقانونی آمریکا تأکید کرد. «سیدعباس عراقچی» وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران به اقدام آمریکا درباره عدم تمدید معافیت تحریمی عراق به‌منظور واردات برق از ایران واکنش نشان داد. عراقچی در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: بسیار تأسف‌آور است که دولت ایالات متحده تصمیم گرفته تا مردم بی‌گناه عراق را با محروم کردن از دسترسی به خدمات اولیه مانند برق، به‌ویژه در آستانه ماه‌های گرم سال آینده، هدف قرار دهد. وزیر خارجه ایران تأکید کرد: ما در کنار مردم عراق هستیم و بر تعهد خود به دولت عراق برای تعامل به‌منظور دفع اقدامات غیرقانونی ایالات متحده، پایبندیم. این اقدام آمریکا در حالی است که مقام‌های عراقی می‌گویند این کشور در حال حاضر، جایگزینی برای واردات انرژی از ایران ندارد. این مقام‌ها به‌روبرتر گفتند اوج مصرف در فصل تابستان ممکن است کمبود جدی برق ایجاد کند.



## نشست شورای امنیت درباره ایران

به‌رغم تأکید مقامات جمهوری اسلامی ایران مبنی بر ماهیت صلح‌آمیز فعالیت‌های هسته‌ای کشور، شورای امنیت سازمان ملل در یک نشست محرمانه موضوع افزایش سطح غنی‌سازی اورانیوم در ایران را بررسی می‌کند. دیپلمات‌های گوینده که شورای امنیت سازمان ملل روز چهارشنبه در مورد افزایش ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران که ادعا می‌شود به سطح تسلیحاتی نزدیک شده است، پشت درهای بسته تشکیل جلسه خواهد داد. این در حالی است که مقامات جمهوری اسلامی ایران همواره تأکید می‌کنند که فعالیت‌های هسته‌ای کشور ماهیت کاملاً صلح‌آمیز دارد و سلاح هسته‌ای هیچ جایی در دکترین دفاعی ایران ندارد. خبرگزاری رویترز گزارش داد: درخواست برگزاری این نشست توسط ۶ عضو از ۱۵ عضو شورای امنیت، شامل فرانسه، یونان، پاناما، کره جنوبی، انگلیس و ایالات متحده مطرح شد. به گفته دیپلمات‌ها، آنها همچنین از شورا می‌خواهند که درباره تعهد ایران به ارائه اطلاعات لازم برای شفاف‌سازی موضوعات باقی‌مانده در رابطه با ادعای وجود مواد هسته‌ای اعلام‌نشده در چندین مکان در ایران به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بحث کند.



## وعده آمدن تحریم

در ادامه سیاست‌های خصمانه واشنگتن درقبال ایران، وزیر انرژی آمریکا گفت دولت ترامپ قصد دارد تحریم‌هایی را علیه ایران اعمال کند که به‌ویژه تولید نفت این کشور را هدف قرار می‌دهد. «کریس رایت» وزیر انرژی ایالات متحده با ادعای اینکه در اولین دوره ریاست‌جمهوری «دونالد ترامپ» میزان صادرات نفت ایران به سطوح بسیار کمی کاهش یافت، اعلام کرد اکنون دولت ترامپ به دنبال اعمال تحریم‌هایی علیه ایران است تا به‌ویژه تولید نفت این کشور را هدف قرار دهد. وی در ادامه گفت که «جو بایدن» رئیس‌جمهور پیشین آمریکا اگر چه تحریم‌های ایران را لغو نکرد، اجرای آنها را متوقف کرد. رایت افزود: این به نوبه خود، باعث غنی‌تر شدن ایران و به یکسری پیامدهای دیگر منجر شد. اکنون دیدیم که با حوثی‌ها، حزب‌الله و حماس چه اتفاقی افتاده است. برعکس، ترامپ به‌دنبال توقف هرج و مرج است، بنابراین ممکن است ایالات متحده تحریم‌هایی را اعمال کند. وزیر انرژی آمریکا مدعی شد: اکنون این سوال مطرح است که آیا ما می‌توانیم از عهده کاهش صادرات نفت ایران برآیم؟ قطعاً.



آمریکا و غرب بود و این امری ضروری و انکارناپذیر است. اما آنچه در این میان مغفول ماند، واقع‌گرایی ژئوپلیتیک و تنظیم روابط با آمریکا در چارچوب منافع ملی واقع‌بینانه و درازمدت بود. رهبران اوکراین می‌بایست همچون فنلاند در دوران جنگ سرد، ضمن حفظ روابط با غرب، حساسیت‌های امنیتی روسیه را نیز در نظر می‌گرفتند. عدم توجه به این واقعیت ژئوپلیتیک، اوکراین را در موقعیتی قرار داد که امروز شاهد تنش در روابطش با آمریکای دونالد ترامپ هستیم. این در حالی است که اگر روابط با آمریکا نبود، روسیه انگیزه مضاعفی برای اشغال دست‌کم سیاسی اوکراین به دست می‌آورد.

## در گفتمان امنیت بین‌المللی، ادبیاتی در خصوص

«فنلاندی‌سازی» وجود دارد که ریشه‌اش به دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ باز می‌گردد.

این مفهوم به منظور نشان دادن کاهش اختیارات تصمیم‌گیری یک دولت اروپای غربی در مراعات حساسیت‌های

کاهش اختیارات تصمیم‌گیری یک دولت اروپای غربی در مراعات حساسیت‌های شوروی مورد استفاده قرار گرفت. در این دوره هر چیزی که با علایق راهبردی شوروی ناهمخوانی داشت، «به دلایل کلی» در فنلاند مورد مخالفت قرار می‌گرفت. احزاب شدیداً مخالف شوروی امکان حضور در قدرت را نداشتند و در کل فضایی وجود داشت که توصیه شدید می‌شد اظهار نظر سیاسی برخلاف منافع روسیه، صورت نپذیرد. در این فرایند، شاهد یک انعطاف‌پذیری راهبردی و واقع‌بینانه در بستر یک نظام دموکراتیک بودیم؛ نظامی که در آن احترام به نهادهای مدنی و تضمین آزادی بیان در چارچوبی فراگیر، نه تنها مورد پذیرش، بلکه از الزامات بنیادین حکمرانی مطلوب محسوب می‌شود. این رویکرد متوازن، نمایانگر بلوغ سیاسی و ظرفیت دیپلماتیک نظام‌هایی است که توانایی ایجاد همزیستی میان اصول دموکراتیک و ملاحظات امنیت ملی را دارند.

در عین حال فنلاند تلاش می‌کرد بی‌طرفی خود را نیز حفظ کند و ایالات متحده آمریکا و غرب را نیز در زمینه‌های اقتصادی با خود همراه داشته باشد. نوعی سیاست توازن‌بخش که برآمده از دکترین دو رئیس‌جمهور هوشیار فنلاند پاسیکوی و ککونن بود. در سال ۱۹۷۵ و در اوج تنش‌زدایی دهه هفتاد، اورهو ککونن رئیس‌جمهوری وقت فنلاند میزبان نشست رهبران آمریکا و شوروی بود؛ جایی که جرالد فورد رئیس‌جمهور ایالات متحده و لئونید برژنف رهبر شوروی در هلسینکی با یکدیگر دیدار و «توافق هلسینکی» را امضا کردند.

## بحران اوکراین و الگوی فنلاند؛ فرصت‌های از دست‌رفته دیپلماسی متوازن

در اوکراین اما از دهه ۱۹۹۰ شاهد دوگانگی سیاسی و اجتماعی عمیقی بوده‌ایم. این کشور به صورت «دوپاره» شناخته می‌شود؛ بخش غربی صنعتی‌تر و طرفدار توسعه روابط با اروپا و غرب، و بخش شرقی که خود را به روسیه نزدیک‌تر می‌داند. این دوگانگی و ناتوانی حاکمیت در مدیریت آن، به تدریج به قطبی شدن شدید فضای سیاسی انجامید؛ به طوری که نیروهای غرب‌گرا و روس‌گرا در تقابل جدی با یکدیگر قرار گرفتند. نقطه عطف و آغاز درگیری این بحران در اوایل سال ۲۰۱۴، پس از الحاق کریمه به روسیه بود. اگرچه این الحاق آغازگر یک درگیری نظامی و روابط متشنج شد، اما در جنبه سیاسی، اولین اصطکاک ناشی از تصمیم ویکتور یانوکویچ علیه توافق اوکراین با اتحادیه اروپا در سال ۲۰۱۳ بود. از آن زمان، جنبش‌های سیاسی طرفدار رویکرد ملی‌گرایانه برای مخالفت با نفوذ روسیه منجر به دوره‌ای از اعتراضات علیه دولت یانوکویچ و در نهایت برکناری او از قدرت در سال ۲۰۱۴ شدند. پس از این دوره، گرایش اوکراین به سمت غرب تنش بین این کشور و روسیه را افزایش داد.

دولت پس از انقلاب اوکراین نیز به جای اتخاذ «بازی دیپلماتیک ظرف برای متعادل کردن منافع اقتصادی و امنیتی خود با روسیه، اتحادیه اروپا و اعضای ناتو»، مایل بود کشور را به آینده‌ای در اتحادیه اروپا و ناتو متعهد کند. این تغییر جهت‌گیری با واکنش شدید روسیه مواجه شد. بی‌تردید، اوکراین برای ایجاد مانع در برابر حمله روسیه نیازمند روابط مستحکم و مذاکرات مستمر با

رهبران این کشور آموخت. این رویداد تاریخی نشان داد که در عرصه روابط بین‌الملل، درک صحیح از موازنه قدرت و محدودیت‌های ژئوپلیتیک می‌تواند سرنوشت یک ملت را رقم بزند. در آستانه جنگ زمستان، شکاف عمیق در رویکرد سیاستمداران فنلاندی مشهود بود. افرادی چون پاسیکوی (Juho Kusti Paasikivi) و مارشال مانرهیم (Mannerheim) با نگاهی واقع‌بینانه به معادلات قدرت منطقه‌ای و درک حساسیت‌های امنیتی شوروی، از پذیرش برخی مطالبات ابرقدرت مقابل‌شان حمایت می‌کردند. در مقابل، جناح دیگر به رهبری ارکو (Erkko) و کایاندر (Aimo Cajander)، با خوش‌بینی مفرط و اعتماد بیش از حد به توانمندی نظامی داخلی، هشدارهای شوروی را صرفاً بلوفی دیپلماتیک می‌پنداشتند. این تقابل دیدگاه‌ها در نهایت حقیقتی انکارناپذیر را آشکار ساخت: دولت‌های کوچک‌تر در مواجهه با قدرت‌های بزرگ، به‌رغم برخورداری از حق حاکمیت ملی، با محدودیت‌های عملی جدی در عرصه سیاست خارجی مواجه هستند. در چنین شرایطی، اتخاذ «دیپلماسی پیشگیرانه» و پیش‌دستی در مذاکرات، می‌تواند راهکاری حیاتی برای حفظ منافع ملی باشد. بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد چنانچه فنلاند پیش از و خاتم اوضاع، با رویکردی منعطف‌تر وارد مذاکرات جدی با شوروی می‌شد و برخی مطالبات طرف مقابل را می‌پذیرفت، احتمالاً می‌توانست از تحمیل جنگی خانمان‌سوز و تلفات سنگین انسانی جلوگیری کند. این درس تاریخی، الگویی برای دولت‌های بعدی فنلاند در مدیریت روابط با همسایه قدرتمند شد.

پس از جنگ جهانی دوم، فنلاند به طراحی یک سیاست جدید پرداخت تا از تصرف شدن توسط شوروی جلوگیری کند. این سیاست به خط مشی «پاسی‌کیوی-ککونن (Urho Kekkonen)» معروف شد که از نام دو تن از رؤسای جمهور فنلاند اقتباس شده بود. آنها به مدت ۲۵ سال در قامت رئیس‌جمهور در تعامل با شوروی بودند. این رهبران فنلاندی معتقد بودند کشورشان نمی‌تواند در عین اینکه معتقد به ایجاد روابط عالی با اروپا و آمریکاست، انتظار کمک شایانی از متحدان غربی در صورت بحران روابط با شوروی داشته باشد، بنابراین ناچار است همواره از مواضع رهبران شوروی آگاه باشد و به آنها توجه کند. آنها دریافته‌اند که باید به‌طور منظم با مسئولان شوروی گفت‌وگو کنند و به آن‌ها اطمینان دهند که فنلاند به حرف خود پایبند است و به تعهداتش عمل می‌کند تا به این ترتیب از گرانی‌های مسکو بکاهدند.

فنلاند برای گسترش مراودات خود با غرب، سعی کرد سوءظن مژمن شوروی درباره احتمال ادغام اقتصادی فنلاند با غرب را کاهش دهد. همان زمان که کشورهای غربی، شرکای تجاری اصلی فنلاند بودند، این کشور به دومین شریک تجاری غربی شوروی (پس از آلمان غربی) تبدیل شده بود. فنلاند برای شوروی به مثابه منبع اصلی فناوری غربی و پنجره اصلی به سوی غرب محسوب می‌شد. به این ترتیب شوروی دیگر انگیزه‌ای برای تصرف فنلاند نداشت.

در گفتمان امنیت بین‌المللی، ادبیاتی در خصوص «فنلاندی‌سازی» وجود دارد که ریشه‌اش به دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ باز می‌گردد. این مفهوم به منظور نشان دادن